

گسترش روابط با کشورهای فلان منطقه هستیم؛ انتظار نداشته باشید اصلاح طلبان و اصولگرایان برنامه داشته باشند. در ضمن اصولگرایان کاندیدا معرفی نکردند، اما اصلاح طلبان هم معرفی نکرده اند.

**این استدلال چندان قابل قبول نیست چون رئیس جمهوری مستقراصلی ترین نامزد رقابت های میان دوره ای است حتی اگر اعلام رسمی نشود مگر اینکه خلافت اعلام شود.**

**ایمانی:** اصولگرایان نامزد معرفی نمی کنند چون فضا آلوده است و آسیب پذیری زیاد است؛ دلیل بعدی این است ساز و کار جبهه نیروهای انقلاب رسیدن به کاندیدای واحد از پایین به بالاست.

**به موضوع «جبهه» اشاره کردید که اتفاقاً یکی از محورهای بحث نیز هست؛ یکی از تفاوت های که برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده با انتخابات های گذشته ذکر می شود، این است که انتخابات آتی، رقابت بین «جبهه» های سیاسی است. اصلاح طلبان در چارچوب شورای سیاست گذاری و بخشی از اصولگرایان در قالب «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» حرکت هایی کرده اند که معتقدند «جبهه» ای است؛ آیا انتخابات سال آینده ریاست جمهوری رقابت بین جبهه ها خواهد بود؟ آقای دهقان آیا اعتدالگرایان همچنان در ائتلاف با اصلاح طلبان خواهند ماند؟**

**دهقان:** آنچه در انتخابات ۹۲ اتفاق افتاد، یعنی اتحاد نانوشت اصلاح طلبان و اعتدالیون در مجلس شورای اسلامی ۷ اسفند ۹۴ ضلع سومی پیدا کرد و بخشی از اصولگرایان که ما اصطلاحاً آنها را اصولگرایان معتدل یا اعتدالی می نامیم به آن اضافه شد. به نظر می رسد این ائتلاف سه گانه بیش از گذشته به هم نزدیک خواهند شد، چون موفق بودند. حتی گروه های مستقل هم می توانند به این ائتلاف بپیوندند. از طرف دیگر طبیعی است اصولگرایان منتقد دولت، که طیف وسیعی هستند فعال شوند و به نظرم «جبهه نیروهای مردمی» با همین نگاه شکل گرفته است. اما هنوز درباره این تشکل سؤال های اساسی مطرح است که فعلاً پاسخی ندارد؛ آیا این جبهه می تواند در نهایت یک کاندیدا داشته باشد؟ آیا دیگر کاندیداهای اصولگرا، حاضری می شوند به نفع نامزد این تشکل کنار بروند؟ آنچه مسلم است و سران جریان اصلاحات بارها و بارها گفتند جز روحانی به گزینه دیگری فکر نمی کنند؛ اعتدالیون و اصولگرایان معتدل هم همین موضع را دارند.

**حق شناس:** به نظرم ابتدا باید تعریف روشنی از «جبهه» ارائه کرد و بعد دید آیا حرکت هایی که دوستان انجام داده اند، در قالب این عنوان می گنجد یا نه؟ به نظر می رسد دوستان ما در «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» خیلی با مشخصات «جبهه» نمی خوانند و هر چیز می تواند باشد، جز «جبهه».

«جبهه» در حوزه سیاسی عبارت است از اجزایی که با هویت مشخص کنار هم قرار می گیرند و درباره برنامه یا یک کاندیدای مشترک با هم ائتلاف می کنند و تا زمانی که آن ائتلاف پایدار است، می توانند کنار هم قرار بگیرند. با این تعریف شاید جبهه پیروان به رهبری مرحوم عسگر اولادی را می شد «جبهه» نامید. اما این تشکلی که اخیراً شکل گرفته، متفاوت است. زیرا چهره های حقیقی کنار هم قرار گرفتند و اعلام موضع کردند و متعاقب آن ده ها چهره حقیقی دیگر که با هم همسختی ندارند، اعلام حمایت کردند. بنده چنین حرکت هایی را خیلی به نفع نظام و انقلاب نمی دانم. برای اینکه بتوانیم مسیر مناسبی برای رشد، تعالی، پیشرفت و توسعه طی کنیم، لاجرم باید به سمت تحزب برویم. اگر به صد کشور برتر دنیا در حوزه های مختلف نگاه کنید، می بینید هیچ کدام این ها به پیشرفت نرسیده اند، مگر اینکه نظام حزبی تأثیر گذاری داشته باشند. حزب، ماشین اداره کشور است. ما از دوره ناصرالدین شاه که تمام امور کشور را یک نفر اداره می کرد، فاصله گرفتیم. ۱۱۰ سال پیش قیام مشروطه را داریم که مهم ترین دستاوردش مجلس شورای اسلامی است و بحث انتخابات را مطرح می کند. لازمه انتخابات یک نظام حزبی است. رویکرد انقلاب ما، ضد استبدادی و ضد استتماری بود و تحقق این رویکرد، نیازمند نظام حزبی کارآمد است. امروز ما ۲۵۰ حزب ثبت شده داریم اما یک یا دو حزب قدرتمند نداریم و به ناچار از بدلتش (جبهه) استفاده می کنیم. متأسفانه قانون جدید احزاب ما ۵ گام عقب تر از قانون سال ۶۹ است و نظام حزبی را قربانی می کند. باید در دوسوی ماجرا، چه دوستان اصلاح طلب چه اصولگرایان و چه میانه روها، جبهه ها را به یک حزب قدرتمند و فراگیر با مشخصات حزبی تبدیل کنند تا بتوانند کشور را اداره کنند.

**ایمانی:** من با صحبت های آقای حق شناس موافقم. **دهقان:** من هم همین طور.

## سیمای روحانی

احسان مکتبی

استاد دانشگاه



اگر بخواهیم برای دکتر روحانی به عنوان رئیس جمهور، چارچوبی به منظور تبیین رفتار و مواضع ایشان تعریف نماییم، راهی جز مذاقه بر ریشه های تاریخی فکری و فرهنگی ایشان نداریم به این خاطر می کوشیم بنیان های فکری ایشان را بازخوانی نماییم تا در نهایت ساختار فکری ایشان به دست آید.

### روحانی برآمده از سنت

سنت و پاسداشت آن همواره یکی از دغدغه های اندیشمندان و متفکران بوده و هست، جامعه پی سنت جامعه ای بی ریشه است و جامعه بی ریشه توان رویایی با حوادث و اتفاقات پیچیده جهان را ندارد، بازگشت به خویشتن و ارائه راه حل هایی منطبق با سنت، برای حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی هر جامعه ای ضروری است. سنت، چشمه جوشانی است که می تواند هر روز بر غنای درک و فهم ما از حوادث بیفزاید و بدین گونه راهکارهای ارزشمندی را در تعامل با دنیای مدرن امروز به ما نشان دهد،

از پس نظریه های رقیبی مانند سکولاریسم برآید، باید از گسترش روزافزون پدیده های مدرن در جامعه ایرانی نیز غافل نباشد. حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور، دقیقاً همان زمان که به دنبال آرام کردن اردوگاه مؤمنان سنتی است باید به فکر نوآوری های جهان مدرن نیز باشد و در کنار آن پاسخگوی نسل جدیدی باشد که هر روز تشنه تر از دیروز در جامعه جهانی محو می شود، از سویی باید به دنبال حفظ آثار نیک گذشتگان باشد و از سویی بکوشد تا نسل جدید با کلیک های پی در پی هویتش را از دست ندهد. این البته پارادوکسی است که هر شهروند برآمده از سنت در دنیای مدرن به آن گرفتار است و برای شخصیتی که در جایگاه ریاست جمهوری مسئولیت به عهده دارد، مسئولیتی چند برابر را به همراه می آورد و روحانی نشان داده است با تمام توان به دنبال تلفیق و آشتی این دو پدیده است که هم در آن ایمان مؤمنان حفظ شود و هم محصولات دنیای مدرن، مشتریان عاقلی در میان شهروندان ایران پیدا کند.

### روحانی توسعه مدار

درک دقیق و درست حسن روحانی و سلف بزرگوارش آیت الله هاشمی رفسنجانی در دهه چهارم انقلاب باعث



عکس: علی محمدی/ایران

اما نکته حایز اهمیت در این باره آن است که سنت حوزه های علمیه در کنار آداب و رسوم ایرانی که در آن به تبع ایرانی بودن، جاری شده است، حامل آیین اسلام و تفکر شیعی نیز بوده و هست و از این نظر منبع بسیار معتبری برای استفاده و بهره برداری را در اختیار نسل امروز و فردا قرار داده است و دکتر حسن روحانی برآمده از چنین سنتی است، این را زندگی تاریخی او به ما یادآوری می کند. ممارست و تحصیل در حوزه های علمیه دینی که خود ریشه های محکمی در سنت دارد و از این لحاظ مبتنی بر فقه پویای شیعه در تعامل با دنیای جدید همواره به دنبال ارائه راهکارهایی برای زندگی بهتر مسلمانان و شهروندان بوده اند، از نخستین خاستگاه های فکری یا به عبارتی مهم ترین خاستگاه فکری حسن روحانی است و باید در تحلیل رفتار او به این نکته اساسی توجه داشت.

### روحانی شهروند جهانی

اگر چه حسن روحانی برآمده از سنت است اما در هوای مدرنیته تنفس کرده است، او نیز مبتنی بر اجتهاد مصطلح در حوزه های علمیه همواره به دنبال تلفیق نص کلام الهی با مقتضیات روز بوده و هست و یکی از بنیادی ترین اقتضات روزگار کنونی نیز، درک حال و هوای مدرنیسم است تا بتوان با تلفیق این دو، راهی برای زندگی اخلاقی شهروندان پیدا کرد، امروز دیگر حسن روحانی برآمده از سنت، یک دست در سنت های حوزه علمیه دارد و دستی دیگر در آشتی دادن این سنت کهنسال با مدرنیته خردسال تازه برآمده از غرب، این البته انتخاب روحانی نبوده و نیست اما اقتضای جایگاه اوست که لاجرم - در این روزگار - در وجود او جمع شده است، به این خاطر است که می بینیم او همزمان که می خواهد دین در ساخت قدرت حضور داشته باشد تا

شد، ادبیات سیاسی ایران گامی به پیش گذارد، برای یادآوری باید گفت که جریان های سیاسی انقلاب اسلامی هر روز بارشد و ارتقای تاریخی ادبیات خاص خود را تولید کرده اند. روزگاری دو جریان جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز به عنوان پیشانی جریان های سیاسی انقلاب تولیدگر ادبیات خاص خود بودند، آنها بعد از اندکی با عنوان های اصولگرا و اصلاح طلب باز تعریف شدند و البته هر یک با تغییرات اساسی نسبت به حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سردمداری خود در ساخت قدرت در ایران را شکل دادند، اما اندک اندک در ماه های پایانی دولت دهم مرزهای فکری این جریان های سیاسی به هم ریخت و جریانی پا به عرصه نهاد که هم به دنبال حفظ سنت ها و هم در پی تعامل و آشتی با جهان بود و از جهانی شدن نمی هراسید و بدین گونه باز تعریفی در حوزه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اتفاق افتاد. جریانی که خود را اعتدالی در روش می نامید، اما به لحاظ تئوریک مبتنی بر پذیرش توسعه متوازن و پایدار بوده و هست. در ادبیات این جریان فکری که در میان آنها از اصولگرایان و اصلاح طلبان حضور داشته و دارند؛ محیط زیست، شهروند جهانی، جهانی شدن، حدود اختیار فرد و اقتدار دولت، ... و بسیاری از مباحث این چنین را می توان سراغ گرفت و حسن روحانی به عنوان چهره شاخص این جریان، امروزه به عنوان کسی که از سنت برآمده است و در هوای مدرنیسم تنفس می کند و درک دقیقی از توسعه متوازن دارد، یکی از رهبران این جریان عمیق و گسترده است. او می داند هویت، جامعیت و حفظ ایرانی بزرگ و اخلاقی با توسعه متوازن و پایدار به انجام می رسد و به نظر می آید، غالب نخبگان فکری ایران زمین نیز به گام های او امیدوارند.